



• مسعود جوادیان  
• تصویرگر: ریحانه کمالی

# بزرگ حمله‌ی

## هجوم صدام بعثی به ایران!

سربازهای بعثی روزبه‌روز به آبادان نزدیک‌تر می‌شدند، تا اینکه به کوی ذوالفقاری رسیدند. کوی ذوالفقاری نزدیک آبادان بود و نخلستان بزرگی داشت. در صبح روز نهم آن‌ماه، یکی از مردم آبادان، به نام دریاقلی سورانی، ناگهان دید بعثی‌ها از لابه‌لای درختان به پیش می‌آیند. او با دوچرخه‌اش حرکت کرد و هراسان پا زد و پا زد تا خودش را به فرمانده سپاه ایران رساند و ماجرا را برایش تعریف کرد. بلافاصله سپاهی‌ها، ارتشی‌ها و نیروهای ژاندارمری و عده‌ای از مردان شهر به طرف نخلستان راه افتادند. تعداد آن‌ها از بعثی‌ها خیلی کمتر بود و سلاح‌هایشان هم سبک‌تر و ضعیف‌تر بود. بعضی از آن‌ها حتی سلاح نداشتند و با دست خالی به جنگ آمده بودند. آنان می‌دانستند که اگر بعثی‌ها به شهر برسند، خیلی بد خواهد شد! در نخلستان نبرد سنگینی بر پا شد. صدای تیراندازی در لابه‌لای درختان فضا را پر کرده بود. ایرانی‌ها با تمام توان خود جنگیدند و بعثی‌ها را به عقب‌نشینی وادار کردند. بعثی‌ها مدام عقب‌تر می‌رفتند. اما این پایان ماجرا نبود. لشکر بعث با تعداد زیاد و سلاح‌های سبک و سنگین، در آن سوی رودخانه منتظر شدند تا در فرصتی دیگر، دوباره به شهر حمله کنند. شهر در محاصره بود؛ یعنی دشمنان دورتادور آبادان بودند!

## شکست محاصره و آزادشدن آبادان!

روزها و هفته‌ها می‌گذشت و شهر در محاصره‌ی دشمن بود. در این مدت، بعثی‌ها خاکریزهای زیادی ایجاد کردند و سنگرهای زیادی ساختند.

نخستین روز تحصیلی معمولاً با جنب‌وجوش و شادی دانش‌آموزان همراه است، اما در سال ۱۳۵۹ این روز برای مردم ایران جور دیگری بود! در آن روز، صدام حسین بعثی با حمایت آمریکا و دیگر دشمنان خارجی انقلاب اسلامی دستور داد به کشور ما حمله شود. چون فکر می‌کرد می‌تواند بخش‌هایی از ایران را برای همیشه بگیرد. در نتیجه، یک‌باره بسیاری از شهرها و روستاها بمباران شدند، خانه‌ها و مدرسه‌ها ویران شدند و مردم زیادی آواره شدند. آبادان هم یکی از آن شهرها بود. بعثی‌ها از زمین و هوا و دریا به کشور ما حمله کردند. در خوزستان، از رود کارون گذشتند و مردم زیادی را شهید یا اسیر کردند. چند وقت بعد هم به آبادان نزدیک شدند. در این زمان، بسیاری از مردم آبادان، شهر را ترک کرده و به جاهای دیگر فرار کرده بودند. تعداد کمی هم مانده بودند تا از شهر دفاع کنند.



جوان‌های ارتشی و سپاهی و بسیجی با شجاعت کم‌نظیر، الله‌اکبر و یا حسین(ع) می‌گفتند و پیش می‌رفتند. صدای غرّش سلاح‌ها تمام فضا را پر کرده بود. بعضی‌ها ابتدا کوشیدند مقاومت کنند، اما سرعت و قدرت ایرانی‌ها آن‌ها را به عقب‌نشینی وادار می‌کرد. هر دو طرف به شدت شلیک می‌کردند. در این میان، به یک لوله‌ی نفت گلوله خورد. نفت از لوله به رودخانه سرازیر و شعله‌ور شد. منظره‌ی ترسناکی به وجود آمد. فرماندهان جنگ با بی‌سیم با همدیگر حرف می‌زدند. با بالا آمدن سپیده‌ی صبح، هواپیماها هم وارد صحنه‌ی نبرد شدند.

جنگ تا شب و تا فردای آن روز ادامه داشت. بعضی‌ها کم‌کم عقب می‌رفتند و فرار می‌کردند. تعدادی از آن‌ها اسیر شدند. تعدادی از جوان‌های وطن هم شهید شدند. در آخر، ایرانی‌ها پیروز شدند و محاصره‌ی آبادان به پایان رسید. رزمندگان بر زمین سجده می‌کردند و غرق شادی بودند.

عملیات ثامن‌الائمه(ع) برای ایران نتیجه‌ها و پیامدهای مهمی داشت. مردم جهان که فکر می‌کردند صدام پیروز می‌شود، حیرت‌زده شدند. صدام حسین از شدت خشم، شش نفر از فرماندهان خود را اعدام کرد. از آن به بعد، رزمندگان ایرانی اعتماد به نفس بیشتری پیدا کردند و توانستند شهرها و زمین‌های اشغال‌شده‌ی دیگر را هم آزاد کنند.



در مسیرهایی که احتمال حمله وجود داشت، مین‌های فراوان کار گذاشتند و تعداد سربازان خود را بیشتر کردند تا بتوانند سرزمین‌های گرفته‌شده را حفظ کنند. تا اینکه امام خمینی فرمان داد و از رزمندگان خواست هرچه زودتر آبادان را از محاصره نجات دهند. بعد از آن، فرماندهان ارتش و سپاه چند بار بحث کردند، اطلاعات جدید ردّ و بدل کردند و راه‌ها و نقشه‌های حمله را بررسی کردند. باید مشخص می‌کردند از کدام قسمت‌ها حمله کنند بهتر است و هر بخش از رزمندگان باید چه وظایفی را به عهده بگیرد. باید خاکریز درست می‌کردند، زمین را می‌کنند و کانال‌ها و تونل‌های مخفی می‌ساختند. وظیفه و زمان حمله‌ی خلبان‌ها و تانک‌ها را هم باید تعیین می‌کردند. همه‌ی این کارها زمان می‌برد.

## زمان عملیات فرا می‌رسد!

روزها می‌گذشت. در این مدت، بین دو طرف، چند نبرد و برخورد اتفاق افتاد، تا اینکه زمان حمله‌ی بزرگ فرا رسید. این حمله را به نام امام رضا(ع) نام‌گذاری کرده بودند: «عملیات ثامن‌الائمه(ع)!»

روز پنج‌مهر ۱۳۶۰، وقتی که شب فرا رسید، رزمندگان سپاه و ارتش از چند قسمت حمله‌ی برق‌آسای خود را شروع کردند. نبرد از چند جبهه شروع شد: جبهه‌ی ذوالفقاریّه، جبهه‌ی فیاضیه، جبهه‌ی ماهشهر و جبهه‌ی دارخوین.

